



Research Article

Discourse Moments of the "New Geometry of Power" in Ayatollah Khamenei's Thought

Akbar Ashrafi^{1*}, Alireza Mozaffari Nikoo²

1. Associate Professor, Political Sciences Department, Islamic Azad University of Tehran Central Branch, Tehran, Iran

2. PhD in political thought, Political Sciences Department, Islamic Azad University of Tehran Central Branch, Tehran, Iran

Article history:

Received: 11/06/2024

Accepted: 26/08/2024

Abstract

Simultaneously with the emergence of new actors and the growth of regional powers, the former structures in the arrangement of power in the international system have changed, and the world has inevitably entered a new space, which is referred to as the "new geometry of global power." In the opinion of Ayatollah Khamenei, the current order is doomed to decline, and the discourse of the Islamic Revolution of Iran, by challenging the established order, seeks to change the procedures governing the arrangement of powers. These discourse actions are articulated in the form of moments such as the theory of the historical turn, the decline of American hegemony, the transfer of power to the East (China-Russia), the emergence of new coalitions against the system of domination, and the formation of a chain of equivalence of meanings. The problem of this research is to investigate how the process of stabilizing these moments and the hegemonization of the discourse of the new geometry of power occurs in the thought of Ayatollah Khamenei. The research results confirm the relative compatibility of the three-stage pattern of hegemonic discourses: first, the criticism of the existing order; second, demarcation and othering with enemies; and third, the closure of meanings and the hegemonization of the new discourse. This research's theoretical framework is Laclau and Mouffe's discourse theory.

Keywords: The New Geometry of Power, The Discourse of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei, The Hegemony of the United States of America, Power

Please cite this article as:

Ashrafi, A., Mozaffari Nikoo, A. (2024). Discourse Moments of the "New Geometry of Power" in Ayatollah Khamenei's Thought. *Journal of Asian Regional Orders Studies*, 1(1) 245-276. <https://doi.org/10.22099/JAROS.2024.50456.1006>

* Corresponding author: E-mail address: akbarashrafi552@gmail.com



Copyright: © 2024 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



وقته‌ها و مختصات گفتمان هندسه جدید قدرت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اکبر اشرفی^۱، علیرضا مظفری نیکو^۲

۱. دانشیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکترای اندیشه سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

اطلاعات مقاله

چکیده

هم‌زمان با ظهور بازیگران چندجانبه‌گرا و رشد قدرت‌های منطقه‌ای، ساختارهای سابق در چینش قدرت در نظام بین‌الملل تغییر کرده و جهان، ناگزیر وارد فضای جدیدی شده است که از آن به‌عنوان هندسه جدید قدرت جهانی یاد می‌کنند. هندسه جدید قدرت، جدا از توانایی ساخت بستر مناسب جهت ظهور قدرت‌های نوپدید به‌مثابه یک نزاع گفتمانی عمل کرده و ظرفیت تشریح قطب‌بندی‌های جدید را دارد. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نظم کنونی در روابط بین‌الملل غیرعادلانه بوده و بر اساس سنت الهی-تاریخی محکوم به زوال است و گفتمان انقلاب اسلامی ایران با به چالش کشیدن ارکان نظم مستقر، درصدد تغییر رویه‌های حاکم بر چینش قدرت‌هاست. این کنش‌های گفتمانی در قالب وقته‌هایی مانند نظریه پیچ تاریخی، افول هژمونی آمریکا، انتقال قدرت از غرب به شرق (چین-روسیه)، پیدایش قدرت‌های نوظهور، پیدایش ائتلاف‌های جدید ضد نظام سلطه، تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه و با تشکیل زنجیره هم‌ارزی معانی، مفصل‌بندی می‌شوند و گفتمان جدیدی را هژمونیک خواهند کرد. مسئله این پژوهش، بررسی چگونگی فرآیند تثبیت وقته‌ها و هژمونیک شدن گفتمان هندسه جدید قدرت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. نتایج تحقیق، مؤید وجود تطابق نسبی الگوی سه مرحله‌ای هژمونیک شدن گفتمان‌ها، یعنی یکم؛ نقد نظم موجود، دوم؛ مرزبندی و غیریت‌سازی با دشمنان و سوم؛ انسداد معانی و هژمونیک شدن گفتمان جدید است. چارچوب نظری این پژوهش نظریه گفتمان لاکلاو و موفه است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان، هندسه جدید قدرت، نظام سلطه

استناد به این مقاله:

اشرفی، اکبر و مظفری نیکو، علیرضا (۱۴۰۳). وقته‌ها و مختصات گفتمان هندسه جدید قدرت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا، ۱(۱)، ۲۴۵-۲۷۶.

E-mail address: akbarashrafi552@gmail.com

نویسنده مسئول:



Copyright: © 2024 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

سرآغاز

تحولات نظام جهانی به موازات پویایی‌های محیط منطقه‌ای و ظهور گروه‌های هویتی جدید، چالش‌هایی را برای ادامه سیطره آمریکا در سیاست بین‌الملل به وجود آورده و به تبع آن، هندسه جدید قدرت در حال شکل‌گیری است (متقی، ۱۳۹۵: ۲۲۳). فضای چندگفتمانی پیش رو و ورود قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی جدید به ائتلاف‌های نوپدید و تلاش آن‌ها برای بازسازی و برسازی خود به منظور کسب سهم بیشتر از منافع در نظام آتی بین‌الملل، حکایت از آن دارد که جهان در این پیچ تاریخی، آبستن شکل‌گیری نظامی سیال و شاهد تغییراتی در دوران گذار از نظام بین‌الملل وستفالیایی به عصر پساستفالیایی است. این در حالی است که انقلاب اسلامی ایران موج تازه‌ای از مفاهیم را در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ارائه کرد. این سامانه معنایی، استوار بر هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و انسان‌شناسی است که در گفت‌وگو رهبران جمهوری اسلامی نمود یافته است.

جهان‌بینی و رویکرد سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای بر پایه تقسیم‌بندی دوگانه سلطه‌گر - سلطه ستیز و جبهه سومی به نام بلوک سلطه‌پذیر (کشورهای منفعل) معنا می‌یابد. در جهان‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای، علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان در حال تغییر است و هم‌زمان با پیدایش این تغییرات، قدرت‌های نوظهور در برابر نظم و نظام هژمونیک مستقر، دست به موازنه قدرت خواهند زد. در این نظم جدید، نقش و کنش کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای، راهبردی و استراتژیک بوده و به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای در این نظم و گذر از این پیچ تاریخی، جمهوری اسلامی ایران میان‌دار است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۷/۲۲). نظم قبلی حاکم بر روابط بین‌الملل دو پایه اساسی داشت؛ یک پایه فکری و ارزشی و یک پایه عملی یعنی نظامی-سیاسی، هر دو پایه امروز دچار چالش شده، دچار تزلزل شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۷/۱۲). در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، پارادایم هندسه جدید قدرت به دلیل ویژگی گفتمانی‌اش، مبدع خلق مزیت‌های نسبی قدرت‌های نوظهور است. درواقع گفت‌وگوهای هندسه جدید قدرت، گفتمانی فراملی، رهایی‌بخش، جهان‌شمول و الهام‌بخش در روابط بین‌الملل است که نظم حاکم بر روابط بین‌الملل را به چالش کشیده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۷: ۱۳۷). آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است یکی از ویژگی‌های مهم

تغییر هندسه قدرت و شکل‌بندی نظم نوین، تعارض و تقابل گفتمانی بین گفتمان لیبرالیسم به رهبری آمریکا و سایر گفتمان‌های رقیب از جمله گفتمان انقلاب اسلامی است. با عنایت به مسئله مطروح، نتایج پژوهش، مؤید این است که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان هندسه جدید قدرت در سه مرحله یعنی اول؛ نقد نظم موجود در مرحله دوم به غیریت سازی و مرزبندی با غیر خواهد رسید تا در مرحله پایانی، انسداد مفاهیم؛ تثبیت معناها؛ و هژمونیک شدن گفتمان جدید، پدیدار خواهد شود. چارچوب نظری تحقیق پیش رو، روش تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه است.

۱. پیشینه تحقیق

میرزائی (۱۴۰۱) در مقاله‌ایی با عنوان «بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا»، به این نتیجه می‌رسد که انقلاب اسلامی در سطح گفتمانی، اندیشه لیبرالیسم غربی را به صورت جدی به چالش کشیده و با اقدام‌هایی مانند کناره‌گیری از اتحاد راهبردی با آمریکا و ایجاد روحیه بیدارگری اسلامی در منطقه غرب آسیا، مقدمات تضعیف جایگاه و قدرت آمریکا را فراهم کرده است. محسنی باغسنگانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه افول از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای»، در ذیل استخراج مدلی نظام‌مند از آرا آیت‌الله خامنه‌ای درباره معنا و فرآیند شکل‌گیری افول آمریکا (به معنای از بین رفتن عقیده مردم آمریکا و سایر نقاط جهان به نظام سیاسی آمریکا)، به بسترهای تاریخی و تشریح زمینه‌ای افول پرداخته است. مهدی‌پور (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابعاد و پیامدهای مدل مفهومی راهبرد مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، ضمن بررسی چیستی مفهوم مقاومت، به ابعاد، پیامدها و چشم‌انداز مقاومت و ارائه مدل مفهومی مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد.

هاشمی و تبار مقری (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «مختصات نظم موجود و مطلوب جهانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» به نظم احسن متناسب با نظام آفرینش بر پایه فطرت الهی انسان در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرده و به ارکان و مؤلفه‌های نظام سلطه و استکباری نظم موجود و همچنین به راهکارهای برون‌رفت از آن پرداخته است. محسن عبداللهی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های اساسی در گذار از نظم نوین جهانی؛ فرای یک‌جانبه‌گرایی و ظهور چین و

روسیه در نقش قدرت جدید»، ضمن تشریح ابعاد و مختصات نظم نوین جهانی به‌عنوان دوره‌ای راهبردی در ترتیبات موازنه قدرت، به الزامات تحقق این نظم نوین از طریق فهم، شناسایی و رفع مشکلات جهانی، فراتر از توان واحدهای ملی (دولت‌ها) پرداخته و به ظهور قدرت‌های نوپدیدي مثل چین و روسیه و تبعات شکل‌گیری این نظم نوین جهانی و چالش‌های گذار از نظام تک‌قطبی آمریکا محور و یک‌جانبه‌گرایی اشاره می‌کند.

ریچارد هاس (۱۴۰۱)، در کتابی با عنوان *مقدمه‌ای کوتاه بر جهان*، ضمن تشریح فرآیندهای تاریخی جهان معاصر (از جنگ جهانی اول تاکنون) به اهمیت مناطق مختلف جهان ازجمله غرب آسیا، اهمیت راهبردی الزامات عصر جهانی و تشریح سازوکار حاکم بر نظم و بی‌نظمی روابط بین‌الملل، به چرایی کاهش قدرت اقتصادی، افول اقتدار نظامی و کاهش توان اجماع سازی و توازن‌سازی قدرت جهانی توسط ایالات متحده آمریکا پرداخته است. همایون و همکاران (۱۴۰۰) نیز در کتابی با عنوان *افول و زوال ایالات متحده آمریکا*، در شش بخش به افول و زوال تمدنی آمریکا، افول سیاسی-گفتمانی، افول فرهنگی-اجتماعی، افول حقوقی، افول اقتصادی و افول مدیریت و حکمرانی ایالات متحده آمریکا پرداخته و نشانه‌شناسی قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران و گفتمان مقاومت را در برابر گفتمان نظام سلطه و هژمونی آمریکا، تشریح و تبیین کرده است.

افتراق پژوهش پیش رو با تحقیقات انجام‌شده مشروح در بالا، بدیع بودن تطبیق نظریه گفتمان لاکلاو و موفه با اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع تثبیت وقته‌های گفتمان هندسه جدید قدرت است که تاکنون در هیچ تحقیق و پژوهشی به آن پرداخته نشده است.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این تحقیق، روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلاو و شانتال موفه^۱ است. در بین نظریه‌های تحلیل گفتمانی، الگوی تحلیل لاکلاو و موفه، چارچوب تحلیلی مناسبی برای بررسی تحولات کلان در اختیار قرار می‌دهد. این نظریه به‌جای ارائه تبیین‌های علیت محور، درصدد فهم و توصیف معانی شکل‌گرفته در فرآیندهای اجتماعی است (بهروز لک، ۱۳۸۵: ۴۰).

1. Laclau, Ernesto & Mouffe, Chanta

نظریه گفتمان دعاوی صدق و کذب را به حال تعلیق درمی‌آورد، زیرا این نظریه خصلتی ضد ذات‌گرایانه داشته و تمامی امور اجتماعی را محتمل می‌داند (هوارث، ۱۳۸۷: ۱۹۸). روش گفتمان، هم به‌مثابه نظریه است و هم به‌مثابه روش؛ در بُعد نظری گفتمان، تضاد بنیادین با تفکر و معرفت دینی دارد، اما به‌عنوان روش، بسیار مؤثر و کاربردی است (گنجی، ۱۳۹۹: ۱۵۰). در بُعد نظری مفهوم کلیدی برای لاکلائو و موفه کلیدواژه صُدفه و عَرَض در فلسفه ارسطو است که در مقابل هرگونه تصور ذاتی و ضروری در معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد. در فلسفه ارسطویی مفهوم تصادفی، صُدفه یا محتمل بودن^۱ در زمانی به کار می‌رفت که امکان استناد به یک علت معین وجود نداشت. در فلسفه مسیحی مفهوم امکان با تصادف همراه شد. ممکن، وجودی بود که شرایط وجودش در بیرون تعیین می‌شد، چون وجودش وابسته به غیر بود. لاکلائو این مفهوم را در هر دو بُعد خود به کار می‌گیرد؛ از یک‌سو، امکان، یعنی فقدان قانون‌های عینی تحول تاریخی و نفی ضرورت و در دیدن پدیده‌های تاریخی که ناشی از مفصل‌بندی هژمونیک هستند؛ و از سوی دیگر، امکان به بیرونی بودن شرایط وجود هر ماهیت اشاره دارد. وجود و هویت یک ماهیت ناشی از بیرون است. این بیرون^۲ یا غیر^۳، نقش اصلی را در هویت بخشی و فعلیت گفتمان‌ها ایفا می‌کند. برداشتی که لاکلائو و موفه از گفتمان دارند، بر اساس نوعی نگرش پست‌مدرن و نسبی‌گرایانه است که هیچ‌چیز بنیادینی وجود ندارد؛ بلکه هویت‌ها در یک بافت کلی با هم مفصل‌بندی می‌شوند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۲). لاکلائو و موفه با نگاه تقلیل‌گرا، جوهرگرا و جهان‌شمول صرف مخالفت دارند، اما این مخالفت به معنای مخالفت با ایدئولوژی نیست، آن‌ها در اصل ایدئولوژی را کنار نمی‌گذارند، بلکه با بازتعریف آن سعی می‌کنند جامعه و عاملیت را به‌مثابه انواع گفتمانی قابل تصمیم‌گیری تعریف کنند. لذا گفتمان هم دربرگیرنده بعد مادی و هم مزین به بُعد نظری است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱).

در الگوی تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه پیروزی و غلبه یک گفتمان محصول قابلیت دسترسی به آن گفتمان است؛ یعنی در دسترس بودن در موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به‌عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نمی‌دهد (Laclau, 1990: 125). پس از استقرار یک

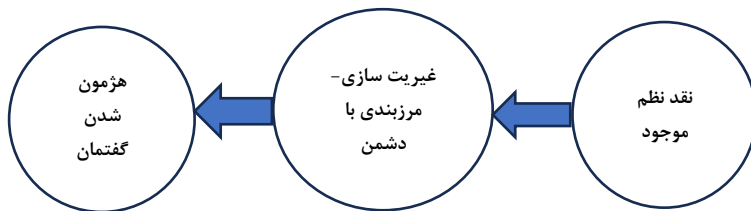
1. Contingency

2. Outside

3. The others

گفتمان و در فرآیند عینیت‌یابی و رسوب شدن یک گفتمان می‌توان ساختار درونی آن را مورد کاوش قرار داد. در تحلیل گفتمانی این امر با تمرکز بر دال مرکزی یک گفتمان، مفصل‌بندی و چگونگی هم‌نشینی دال‌ها و نشانه‌ها در آن توضیح داده می‌شود. هر گفتمانی شامل مجموعه‌ای از دال‌ها یا نشانه است. در نظریه گفتمان نشانه‌ها خصلتی شناور دارند. دال‌های درون هر گفتمان هیچ‌گاه صد درصد تثبیت نمی‌شوند و امکان هرگونه تغییر و دگرگونی معنایی در آن‌ها وجود دارد (Jorgensen, Louise, 2002, 28). هویت‌ها و گفتمان‌ها به دلیل وجود خصومت و وابستگی به غیر، متزلزل‌اند. غیر، هم شرایط امکان و ایجاد هویت را فراهم می‌آورد و هم‌زمان، آن را تهدید می‌کند و در معرض نابودی قرار می‌دهد. از جا شدگی‌ها، حوادثی هستند که حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت و تکثر در جامعه‌اند. از جا شدگی، تمایل به فروپاشی نظم و به هم ریختن گفتمان موجود داشته و جامعه را به سمت بحران هدایت می‌کند. بی‌قراری از یک‌سو با تضعیف هژمونی گفتمان مسلط، امکان پیدایش سوزده‌های رقیب و مفصل‌بندی‌های جدید را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، گفتمان رقیب را وادار می‌سازد تا خود را بازسازی کرده و از تزلزل معانی جلوگیری کند. بی‌قراری و از جا شدگی دربرگیرنده نوعی تغییر است (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۴۲). دال‌ها و نشانه‌های جذب‌شده در یک گفتمان، یک مفصل‌بندی جدید را تشکیل می‌دهند. مفهوم مفصل‌بندی در نظریه لاکلاو و موفه برای ربط دادن این عناصر به هم استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، مفصل‌بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آن‌ها در هویتی نو، مربوط می‌شود (دیوید هوارث، ۱۳۷۸: ۱۶۳). چهارچوب نظری این پژوهش، روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه انتخاب شده است. در این تحقیق با الهام از مراحل سه‌گانه سقوط و ظهور گفتمان‌ها از منظر این دو اندیشمند و همچنین تشریح دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در مورد هندسه جدید قدرت، مدل مفهومی زیر را پیشنهاد داده‌ایم.

اول: نقد نظم موجود، دوم: ضدیت و مرزبندی با غیر، سوم: انسداد مفاهیم و هژمون شدن گفتمان جدید



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳. مراحل هژمون شدن گفتمان هندسه جدید قدرت

مرحله اول: نقد نظم موجود

کنت والتز^۱ معتقد است، نظم موجود در نظام بین‌الملل، قانون آهنینی است که بر این نکته انکارناپذیر تأکید دارد که با توجه به ماهیت و طبیعت بشر و کیفیت الگوهای قدرت در سطح سیستم‌ها، استعداد وسیعی برای ثبات بخشی به نظم در روابط بین‌الملل وجود دارد و این شرایط در سال‌های بعد از پایان جنگ جهانی دوم و هژمونیک شدن قدرت آمریکا، کاملاً شفاف‌تر شده است (والتز، ۱۳۹۱: ۲۹۴). استفان والت^۲ نیز نظم موجود جهانی را با الگوی موازنه قدرت تشریح می‌کند. نظم موجود بر اساس راهبرد توازن قوای قدرت‌های سلسله مراتبی شده، تعیین می‌شود و هر زمان که قدرت دیگر بازیگران افزایش یابد، ساختارهای تعیین‌شده و ابرقدرت‌ها تلاش می‌کنند تعادل و توازن را برای حفظ منافع خود برقرار کنند (والت، ۱۳۹۱: ۲۹۶). نظم جهانی، منظومه‌ای از ساختارها و هنجارهایی است که برای دولت‌ها و ملت‌ها، الگوی زیستن را تعیین می‌کند. در طول تاریخ، به دلیل تحولاتی چون جنگ‌ها، کشمکش‌ها، بحران‌ها، فروپاشی یک قدرت، ظهور ادیان و انبیای الهی، ظهور یک ایدئولوژی، تغییر و تحولات فکری - اندیشه‌ای، انقلاب‌های علمی، تکنولوژیک و فرهنگی نظم‌های جهانی را که به نحوه قرار گرفتن قدرت‌های بزرگ و برتر در عرصه نظام بین‌الملل و شیوه توازن قدرت آن‌ها اشاره دارد، تغییر می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۸). نظم جهانی، به معنای ایجاد حداقل شرایط مناسب برای همزیستی و جلوگیری از جنگ است و این خود به مفهوم فرصت برای رفاه هم‌زمان است. نظام

1. Kennet Waltz
2. Stephen Walt

جهانی به معنای منطق حاکم بر روابط بین‌الملل، قواعد ارزشی و جوهری است که سعی دارد بشریت را به مسیر صلح، ثبات و دوستی و رفاه هدایت کند (دهشیری، ۱۳۹۷: ۲۴۷). در نظم مطلوب هژمون، اقدام‌های سازمان‌های بین‌المللی به‌نوعی مشروعیت‌بخش کنش‌های قدرت هژمون است. هرگاه تغییراتی در نظم بین‌الملل ایجاد شود، طبیعی است که توانمندی بازیگران نیز به‌تبع آن دگرگون خواهد شد؛ بنابراین نظم حاکم بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی تابعی از سازوکارهایی است که تحت تأثیر قابلیت ابزاری و ساختاری قرار می‌گیرد، هرگونه تغییر در قابلیت ابزاری تأثیر خود را بر فرآیندهای ساختاری نظم بین‌الملل به‌جای می‌گذارد (متقی، ۱۳۹۴: ۹). در این میان آمریکا درصدد است تا ویژگی‌های نظام سیاسی غرب نظیر دموکراسی، لیبرالیسم و سرمایه‌داری را در سطح جهان اشاعه و گسترش داده و از این طریق زمینه را برای تطابق ارزشی و هویت‌های جمعی همگون در صحنه نظام بین‌الملل را فراهم کند (تبار و هاشمی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نظم موجود جهانی، یک نظم غیرعادلانه و سلطه‌گر است. ایشان معتقدند، نظم موجود بر اساس اصول ناعادلانه بنا شده است، نظم نظام سلطه یعنی اینکه کسی در دنیا به اتکای سرنیزه و زور، قلدری کند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند. امروز در دنیا این نظام یعنی سلطه، حاکم است و این نظام، مسئول بدبختی ملت‌ها و انسان‌ها در سراسر عالم است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۵). تحولات کنونی حاکی از تغییر نظم جهانی ۷۰ ساله پایه‌گذاری شده به‌وسیله غربی‌ها - اعم از اروپا و آمریکا - و شکل‌گیری نظم جدید است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۶/۱۳).

جدول ۱: محوریابی نقد نظم موجود جهانی در آراء آیت الله خامنه‌ای

موضوع	مفاهیم	راهبرد
زوال و افول موریانه وار آمریکا	سنت الهی سقوط قدرت‌های ظالم	رد قابلیت اعتبار گفتمان نظام سلطه
نفی نظام سلطه و استکباری‌گری	مقابله با زورگویان عالم	وحدت - ائتلاف‌سازی
روشنگری جوانان دانشجو در غرب	ایستادن در جای مناسب تحولات تاریخ	بصیرت دهی
نقد لیبرالیسم	مقابله با لیبرالیسم	تقابل نرم - نظری
افزایش قدرت کشورهای مستقل و ملت‌های آزادی‌خواه	تزاید قدرت قدرت‌های جدید	توانمندسازی و قابلیت محوری

منبع: یافته‌های نگارندگان

مرحله دوم؛ هندسه جدید قدرت^۱؛ انسداد مفاهیم و تثبیت معنایی

لاکلاو و موفه معتقدند؛ هنگامی که عناصر به وقته‌ها تبدیل می‌شود، از حالت شناور خارج می‌شوند و معنایی ثابت به خود می‌گیرد. مفهوم انسداد یا توقف، اشاره به همین تثبیت معنای نشانه‌ها دارد که تحت اراده هژمونیک گفتمان‌ها پدید می‌آید. در نگاهی کلی‌تر، به این فضا، فضای تثبیت موقت یک گفتمان اطلاق می‌شود. لازمه تثبیت معنای یک نشانه درون یک گفتمان که موضوع منازعات گفتمانی است، برجسته‌سازی معنای موردنظر و طرد و حاشیه‌رانی معانی رقیب و دیگری است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۸۲). با عنایت به خلأ هژمونیک گفتمان مسلط، گفتمان هندسه جدید قدرت به مثابه تلاش برای تثبیت موقت عناصر و وقته‌های گفتمانی عمل می‌کند. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان از مهم‌ترین تحولات جامعه بشری در طول چند سده اخیر دانست که تأثیرات غیرقابل انکاری بر روند تحولات جهان معاصر داشته است. با توجه به همین اثرگذاری و ابتدای بر جهان‌بینی شیعی است که برخی از اندیشمندان این انقلاب را فراتر از تمامی تحولات سیاسی، حقوقی و اقتصادی، انقلابی فرهنگی می‌دانند که باعث ایجاد تحولات بسیار جدی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۴۰). لذا می‌توان گفت انقلاب اسلامی به‌عنوان حرکتی سرچشمه‌گرفته از اسلامی شیعی، نه تنها در بُعد ملی احیاگر ایده‌ها، برنامه‌ها و نظریات بدیعی برای نظام‌سازی و حکومت بوده است بلکه در بُعد بین‌المللی و جهانی نیز مبتنی بر همان جهان‌شمولی مکتب اسلامی، دارای دیدگاه‌های خاص بوده و ارائه‌دهنده یک نظم و هندسه جدید جهانی است (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹). لذا گسترش گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان ضد سلطه، بیداری اسلامی، اسلام‌گرایی، وحدت و معنویت‌گرایی در روابط بین‌الملل است که درواقع، تجلی ناکارآمدی ایدئولوژی لیبرالیسم و سلطه‌گری آمریکا و مؤید شکل‌بندی هندسه جدید قدرت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲۸). آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند انقلاب اسلامی پیام‌آور وحدت بین مسلمین و آزادی‌خواهی در بین ملت‌های بیدار جهان است، حرکتی که تغییر و تحولی عظیم را در دنیا رقم زد، انقلاب اسلامی یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده است، یک مفهوم جهانی، یک حقیقت جهانی، یک حقیقت جهانی به‌وسیله این انقلاب به همه جهانیان پیام داده شده

است و آن مقابله با نظام سلطه است؛ این پیام انقلاب ماست. نظام تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم محکوم به فناست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۲۶). ایشان معتقدند؛ در هندسه جدید قدرت و نظم موجود جهان، نواقص گفتمان نظام سلطه در حال متظاهر شدن و تکثر است، این نظام ساختار معیوبی دارد که موجبات خُسران بشریت است، این نظم به دلیل ماهیت سلطه‌گرایانه و استکباری بر پایه‌های باطل و اصول ظالمانه‌اش، مورد انتقاد است. همه بدانند؛ دنیا در آستانه یک تحول است؛ امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است، یک نظم بین‌المللی جدید در پیش است برای دنیا، در مقابل نظم دوقطبی که بیست و چند سال پیش بود، امروز روزی است که ملت‌های منطقه نباید دچار غفلتی شوند که در دوران استعمار یا بعد از جنگ اول جهانی شدند، باید ملت‌های منطقه بیدار باشند؛ امروز یک تحول بزرگی در دنیا یا دارد آغاز می‌شود؛ یا آغاز شده است، این تحول که در حال رُخ دادن، چیست؟ خطوط اصلی‌اش چند چیز است؛ در درجه اول؛ ضعیف شدن قدرت‌های استکباری دنیا؛ این یکی از خطوط اصلی تحولی است که دارد اتفاق می‌افتد، قدرت استکباری آمریکا ضعیف شده است و دارد ضعیف‌تر می‌شود، همچنین بعضی از کشورهای اروپایی، این یکی از خطوط اصلی این تحول است. یکی دیگر از خطوط اصلی این تحول، برآمدن قدرت‌های جدید منطقه‌ای و جهانی است، قدرت‌های جدید دارند به وجود می‌آیند که یا قدرت‌های منطقه‌ای هستند و یا قدرت‌های جهانی‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۶/۲۰). مختصات گفتمانی هندسه جدید قدرت جهانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان در مقوله و مناسبات روابط قدرت-سیاست و وقته‌های گفتمانی به شرح زیر تبیین و تشریح کرد:

- افول هژمونی^۱؛ کاهش قابلیت اعتبار و دسترسی^۲

مفهوم هژمونی یا استیلا بر حول این موضوع است که در ساخت سیاست چه کسی قدرت برتر است. با هژمونیک شدن یک گفتمان، کل آن گفتمان هژمونیک می‌شود. دست‌یابی به هژمونی که غایت یک گفتمان به شمار می‌رود، به کمک قدرت هژمون امکان‌پذیر خواهد بود

-
1. The decline of hegemony
 2. Reduced availability

(کسرای، شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۲). هنگامی که یک قدرت هژمون نمی‌تواند پاسخ درخور توجهی به نیازها و چالش قدرت‌های چالشگر بدهد، این به آن معناست که فاصله قدرت برتر با سایر کشورها کاهش یافته و می‌توان شاهد تغییر سلسله مراتبی قدرت در هندسه جدید بود (کریمی پور، ۱۴۰۰: ۳۷۱). در هندسه جدید قدرت جهانی، قدرت آمریکا در روند افول تحلیل می‌شود. افول؛ دارای دو نشانه ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک است، اگرچه آمریکا به لحاظ برخی از نشانه‌های قدرت هنوز از موقعیت مطلوب برخوردار است، اما نشانه‌های فراوانی وجود دارد که مؤید تسریع روند افول و کاهش قدرت و هژمونی آمریکا است، زیرا برتری به معنای قدرت مطلق نیست. آمریکا هر شیوه‌ای را که در پیش بگیرد، بازهم در حوزه‌های مختلف جغرافیایی، هویتی، فرهنگی، امنیتی با چالش‌های متعددی روبرو خواهد بود، چنین چالش‌هایی از درون ساختار سیاسی و اقتصادی آمریکا آغاز شده و در حوزه‌های مختلف هندسه و نظمی جدید را شکل می‌دهد. در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، بر اساس سنت الهی و تقدیرات تاریخی، ظالمان به سمت نابودی پیش خواهند رفت (باغسنگانی، ۱۴۰۱: ۳۰). لذا ایشان معتقدند؛ قدرت آمریکا و اقتدار و هیمنه آمریکا در دنیا رو به افول و روبه‌زوال است؛ در طول سال‌ها دائماً در حال کم شدن است؛ به‌مراتب قدرت آمریکا ضعیف‌تر شده است، قدرت آمریکا رو به افول است، نکته مهم این است که این، سنت الهی است، این‌ها محکوم‌اند به اینکه ساقط بشوند، محکوم‌اند به اینکه زایل شوند از صحنه قدرت جهانی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲).

استفن والت^۱ در کتاب خود *جهنم نیت نیک* و نیز در مقالات خود در نشریه *فارین پالسی*^۲ به‌صراحت به شکست سیاست خارجی آمریکا اشاره کرده و آن را تلاشی نادرست برای فروش یک سیاست خارجی شکست‌خورده^۳ عنوان می‌کند. والت که در زمره اندیشمندان معتقد به افول قدرت آمریکاست، این روند را افول آهسته و موریانه‌وار، همان‌طور که آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌دارند، نامیده است (جعفری هفتخوانی، ۱۴۰۰: ۱۹۳). گزاره‌های متعددی به ما نشان می‌دهد نفوذ واشنگتن به‌تدریج در سطح نظام بین‌الملل رو به کاهش است. یکی از

1. Stephen Walt

2. Foreign policy

3. Selling a Failing Foreign Policy

مهم‌ترین گزاره‌ها شاخص تجاری و اقتصادی است. در سال ۱۹۷۰، فولاد ایالات متحده ۲۰ درصد از تولید جهانی را تشکیل می‌داد، امروز این رقم به تنها ۴ درصد کاهش یافته است. ایالات متحده اکنون بیستمین صادرکننده بزرگ فولاد در جهان است، اما دومین واردکننده بزرگ فولاد است. در مقابل چین ۵۷ درصد از بازار جهانی فولاد را تشکیل می‌دهد. از سال ۱۹۹۰، تعداد افرادی که در کارخانه‌های فولاد آمریکا کار می‌کردند از حدود ۲۵۷۰۰۰ به حدود ۱۳۱۰۰۰ کاهش یافته است. آلومینیوم یکی دیگر از صنایعی است که در آن ایالات متحده جایگاه قابل‌توجهی را در برابر چین از دست داده است. در سال ۱۹۸۰ ایالات متحده بزرگ‌ترین تولیدکننده آلومینیوم جهان بود؛ اما در سال گذشته به رتبه نهم در تولید جهانی آلومینیوم سقوط کرد. چین ۵۷ درصد از تولید جهانی آلومینیوم را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۰۱ ایالات متحده بیش از ۹۰۰۰۰ کارگر آلومینیوم داشت امروزه حدود ۵۶۰۰۰ کارگر دارد. ذوب ارزان و مقرون‌به‌صرفه آلومینیوم به منابع انرژی کم‌هزینه بستگی دارد. به همین دلیل است که چین از کارخانه‌های زغال‌سنگ برای تولید آلومینیوم استفاده می‌کند. چین در حال حاضر ۷۶ درصد از ظرفیت تولید باتری لیتیومی جهان و ۶۰ درصد از فلزات خاکی کمیاب موردنیاز برای ساخت وسایل نقلیه الکتریکی توربین‌های بادی و انرژی خورشیدی را در اختیار دارد. ایالات متحده ۸ درصد باتری‌های لیتیومی و ۱۵/۵ درصد از فلزات خاکی کمیاب را در اختیار دارد. در دهه‌های اخیر ایالات متحده دیگر کارگاه جهانی نبوده و به‌طور فزاینده‌ای به واردات کالا از خارج متکی شده است. از سال ۱۹۹۸ کسری تجاری فزاینده ایالات متحده پنج میلیون شغل تولیدی با درآمد خوب برای این کشور هزینه داشته و منجر به تعطیلی نزدیک به ۷۰۰۰۰ کارخانه شده است. با تمرکز ثروت در شهرهای بزرگ ساحلی و رها شدن مناطق صنعتی سابق، جامعه نابرابرتر شده است. از آنجایی که رسیدن به طبقه متوسط برای آمریکایی‌های بدون مدرک دانشگاهی سخت‌تر شده است، کاهش تحرک اجتماعی خشم، رنجش و بی‌اعتمادی را برانگیخته است. از دست دادن تولید نه تنها به اقتصاد بلکه به دموکراسی آمریکا نیز آسیب رسانده است. روکانا^۱ عضو مجلس نمایندگان آمریکا معتقد است؛ چین نقش مهمی در صنعتی‌زدایی ایالات متحده داشته است. انفجار در کاهش مشاغل پس از

آن رخ داد که کنگره ایالات متحده در سال ۲۰۰۰، پیش از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی وضعیت روابط تجاری عادی دائمی را به چین اعطا کرد. بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰ کسری تجاری ایالات متحده با چین به‌طور پیوسته از ۶ میلیارد دلار به ۸۳ میلیارد دلار افزایش یافته است؛ اما این کسری پس از پیوستن چین به WTO در سال ۲۰۰۱ به طرز چشمگیری افزایش یافت و اکنون به ۳۰۹ میلیارد دلار رسیده است (Beckley, 2022). ریچارد هاس^۱ رئیس شورای روابط خارجی آمریکا بارها و بارها به این نکته اذعان کرده است که برای آمریکا ادامه دادن نقش ابرقدرتی در سطح جهان، ممکن نیست و این مسئله برای این کشور عواقب نامطلوبی به دنبال خواهد داشت. او در کتاب خود با عنوان مقدمه‌ای کوتاه بر جهان^۲ و همچنین در مقالات خود که در آن‌ها به مسئله سقوط آمریکا اشاره کرده است اذعان می‌کند که با رشد بازیگران چندجانبه بین‌المللی، زمان ابرقدرتی آمریکا از بین رفته است و ما وارد جهانی چندقطبی شده‌ایم. از دید افول‌گرایان، این تکثر در قدرت به معنای سقوط تدریجی آمریکا از وضعیت سابق به وضعیت پایین‌تر است. کتاب آمریکا در سقوط^۳ نوشته مایک شارپ^۴ با جمع‌آوری ۹۱ مطلب در مورد وضعیت نامطلوب جامعه آمریکا به بررسی این واقعیت می‌پردازد که آمریکا از جهات گوناگون در حال سقوط است و بیشتر از همه نیز تأکید خود را بر درآمد نابرابر در ساختار اقتصادی آمریکا برای بخش اعظمی از مردم این کشور می‌داند. لذا بررسی اقتصادی این کتاب با در نظر گرفتن این نکته محوری گسترش می‌یابد و به سایر حوزه‌های سیاسی و فرهنگی - اجتماعی نیز تسری می‌یابد. از دید این نویسنده آمریکا از سال ۱۹۲۰ به بعد، توسط سرمایه‌داران تصاحب شده است و این امر بعد داخلی سقوط آمریکا را به نمایش می‌گذارد. همچنین این کتاب به بررسی سقوط امپراتوری‌های اروپا و روسیه پرداخته و علل آن را در درون جامعه آمریکا در خلال مطالب جمع‌آوری‌شده جستجو می‌کند (هاس، ۱۴۰۱: ۱۲۴). آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند؛ امروز جهان در آستانه یک نظم جدید است؛ از چندین سال قبل تا امروز، روزه‌روز آمریکا ضعیف‌تر شده؛ روزه‌روز ضعیف‌تر شده؛ هم در

1. Richard Haas

2. The world is short

3. American in decline

4. Mike Shop

درون خودش و در سیاست‌های داخلی‌اش، هم در سیاست‌های خارجی‌اش، هم در اقتصادش، هم در امنیتش، در همه چیزها آمریکا از بیست سال پیش تا امروز ضعیف‌تر شده، لکن به‌رحال امروز دنیا در آستانه یک نظم جدید است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۲/۰۶).

ایشان معنای افول را بی‌اعتباری و از بین رفتن قدرت استدلال‌های یک رژیم سیاسی در پیش ملت خودش و ملت‌های دیگر می‌دانند. افول آمریکا و هر نظام دیگری، زمانی اتفاق می‌افتد که باور درونی به آن نظام در میان ملت آن نظام و سایر ملت‌های دنیا از بین برود. بر اساس این نظریه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، آمریکا در مسیر افول است، زیرا به باور مردم دنیا و حتی مردم آمریکا به مطلوبیت‌ها و ارزش‌ها و مبانی این حکومت تضعیف‌شده و یا از بین رفته است، البته این روند در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی قابل مطالعه و تبیین است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۲/۱۲). آیت‌الله خامنه‌ای، ابعاد افول آمریکا را در سه حوزه، نظامی، اقتصادی و اجتماعی روایت می‌کنند، ایشان معتقدند؛ قدرت سخت آمریکا به شدت ضربه خورده و ضعیف شده است، این هم یکی دیگر از نشانه‌های افول قدرت آمریکا است؛ آمریکا خودش دچار بحران است؛ بحران اقتصادی، امروز قرض‌های دولت آمریکا تقریباً نزدیک به تولید ناخالص کل آمریکا است؛ این نشانه بحران و افول است، مردم آمریکا در واقعیات زندگی خودشان، افول اجتماعی را می‌دیدند، ارزش‌های انسانی در آن کشور نابود و لگدمال شده است؛ این‌ها نشانه افول آمریکا است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۸/۱۲).

- پیچ تاریخی؛ تجلی بی‌قراری (از جا شدگی)^۱

وضعیت از جا شدگی زمانی اتفاق می‌افتد که گفتمان‌ها شروع به واگرایی می‌کنند و از جا شدگی حوادثی هستند که حاصل رشد خصومت و ظهور غیریت‌ها و تکررها هستند. از جا شدگی، تمایل به فروپاشی نظم و نمادهایش دارد و به سمت بحران حرکت می‌کند؛ بنابراین از جا شدگی گفتمان‌ها تأثیری دوسویه دارد؛ از یک‌سو، هویت‌های موجود را تهدید می‌کند و از سوی دیگر هویت‌های جدید و شرایط جدید بر اساس آن شکل می‌گیرد (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۱۴). روندهای موجود در سیاست جهان نشان می‌دهد که آینده سیاست

بین‌الملل در قالب پیچ تاریخی و هندسه قدرت جدید نظام جهانی همراه خواهد بود. علت این وضعیت را باید سازوکارهای کنش بازیگران گریز از مرکز نیروهای حفظ‌کننده وضع موجود در روند مدیریت بحران دانست. در دوران گذار سیاست بین‌الملل، قدرت پراکنده شده و هر بازیگر خود را قدرتمند می‌داند. چنین وضعیتی امکان شکل‌گیری چالش‌های جدید در سیاست جهانی را به وجود می‌آورد. نظریه پیچ تاریخی از این جهت دارای اهمیت است که رویکردی جدید در راستای نقد سیاست جهانی محسوب می‌شود. رویکرد پیچ تاریخی را می‌توان به‌عنوان بخشی از جهت‌گیری جدید جبهه مقاومت در سیاست جهانی دانست. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند: نگاه به اوضاع سیاسی جهان و منطقه نشان می‌دهد که ما در مقطع حساسی هستیم؛ به معنای واقعی کلمه امروز یک پیچ تاریخی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶).

در واکنش به شکل‌بندی هندسه جدید قدرت و قدرت دوران گذار، دو رویکرد از سوی نظریه‌پردازان ارائه شده است. رویکرد اول بر ضرورت مدیریت دوراندیشانه در سیاست جهانی تأکید دارند. چنین رویکردی، به معنای آن است که امکان نقش‌یابی و مدیریت الگوی رفتاری بازیگران در نظام جهانی با چالش‌های زیادی روبرو بوده و نیازمند مصالحه و کنش محتاطانه است. رویکرد دیگری هم وجود دارد که هرگونه نقش‌یابی بازیگران در سیاست بین‌الملل را در قالب اقدام مناسب و راهبرد مقاومت تحلیل می‌کند. چنین رویکردی به مفهوم آن است که در پیچ تاریخی پیش رو و روند بازآفرینی هندسه جدید قدرت در نظام جهانی، بازیگرانی همانند ایران که در محوریت و مرکزیت جبهه مقاومت قرار دارند، نیازمند مقابله با تهدیدها و روندهای قدرت‌سازی هستند که مبتنی بر ابزارها و سازوکارهایی مانند قدرت نرم و قدرت سخت‌افزاری است. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند؛ پیچ تاریخی از مدت‌ها قبل آغاز شده و هم‌اکنون در حال گذار از آن هستیم، لذا جمهوری اسلامی ایران باید با پیگیری راهبرد مقاومت در کانون این تحول بزرگ جانمایی و نقش‌یابی کند. بازیگران، کُندگان، کُنشگران و فعالان در دنیای اسلام زیادند، در این پیچ تاریخی، اما میان‌دار جمهوری اسلامی ایران است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۴/۲۴). تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای درباره پیچ تاریخی و نظم نوین در شرایط تاریخی در حال گذار، معطوف به شناخت واقعیت‌های داخلی، محیطی و بین‌المللی است. در چنین تفکری، زیرساخت‌های فکری، ارزشی، اقتصادی و راهبردی نظام جهانی مسلط در حال چالش بوده و در نتیجه کشورهای منطقه‌ای قدرتمند قادر خواهند بود تا با سازوکارهای

ائتلاف‌سازی استراتژیک در برابر ابرقدرت‌های سابق صف‌بندی کنند. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند در فضای امکانی هندسه جدید قدرت، پیچ تاریخی متظاهر خواهد شد. جهان در حال گذار از یک پیچ تاریخی بسیار مهم است، انتظار می‌رود که نظم نوین در حال تولد یافتن باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

انتقال قدرت از غرب به شرق؛ تغییر قلمرو گفتمانی^۱

تئوری انتقال قدرت^۲، اولین بار در سال ۱۹۵۸ میلادی توسط اورگانسکی^۳، استاد علوم سیاسی دانشگاه میشیگان ارائه شد. بر اساس این نظریه، قدرت‌های بزرگ در طول تاریخ یکی پس از دیگری متولد می‌شوند، به اوج می‌رسند و در نهایت افول می‌کنند و این سرنوشت محتوم همه‌ی ابرقدرت‌هاست (دهقانی فیروزآبادی، ۸:۱۴۰۲). مسئله قابل‌ذکر در زمینه هندسه جدید قدرت، انتقال قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی علمی از غرب به شرق است. این موضوع با توجه به اهمیت روزافزون منطقه آسیا و اقیانوس آرام در عرصه جهانی در قرن ۲۱ در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تجاری فناوری، سیاسی، فرهنگی و نیز نقش‌آفرینی روزافزون کشور چین در عرصه مسائل منطقه‌ای و جهانی و گسترش روابط آن با دیگر کشورها معنا می‌یابد. به گفته جوزف بورل^۴ -مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا- در ۳۰ سال گذشته، سهم چین از تولید ناخالص داخلی جهان از ۶ درصد به تقریباً ۲۰ درصد رسیده است. درحالی‌که سهم اروپا از ۲۱ درصد به ۱۴ درصد و آمریکا از ۲۰ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافته است. چین در حال تبدیل‌شدن به رقیبی برای اروپا و آمریکا نه فقط در تولید کالاهای ارزان، بلکه به عنوان یک قدرت نظامی، در خط مقدم توسعه فناوری و ساخت تکنولوژی‌های است که آینده ما را شکل خواهد داد. نماد این تغییر، جایگزینی تدریجی گروه ۲۰ (G20) مرکب از قدرت‌های اقتصادی نوظهور در کنار قدرت‌های منطقه است که این مسئله خود به معنای پایان سلطه اقتصادی غرب و سر برآوردن قدرت‌های اقتصادی جدید در بعد جهانی و

1. Chang Territory a Discourse

2. Power Transition

3. Organski

4. Joseph Burrell

منطقه‌ای است، ضمن اینکه قدرت‌های رقیب غرب یعنی چین و روسیه در کنار اقتصادهای نوظهور مانند هند، برزیل و آفریقای جنوبی که همه از اعضای بریکس^۱ محسوب می‌شوند، به‌طور خاص خواهان ایجاد نظام چندقطبی به‌جای نظام تک‌قطبی هستند و این به معنای به سر رسیدن نظام بین‌الملل لیبرال آمریکا محور است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین نگرانی آمریکا، رقابت رو به گسترش چین با آمریکا و تلاش پکن برای تبدیل‌شدن به قدرت اول اقتصادی جهان و یک بازیگر تعیین‌کننده بین‌المللی است. در این راستا در گزارش سال ۲۰۲۳ جامعه اطلاعاتی آمریکا^۲ تصریح شده است؛ چین از توانایی لازم برای انجام تلاش‌های مستقیم جهت تغییر نظم قاعده محور جهانی در تمامی عرصه‌ها و در مناطق مختلف برخوردار است. چین و روسیه معتقد هستند تحولات بین‌المللی و واقعیات نظام جهانی مؤید گذار به‌سوی نظام چندقطبی است، درحالی‌که آمریکا هنوز هم پافشاری بر حفظ نظام تک‌قطبی و تلاش برای ایفای نقش پلیس جهانی به دنبال اهداف و خواسته‌های خود از طریق یک‌جانبه‌گرایی است (میر طاهر، ۱۴۰۳: ۱۰). این در حالی است که آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند در هندسه جدید قدرت، قدرت از غرب به شرق انتقال می‌یابد. امروز قدرت‌های غربی هم اقتدار سیاسی دارند، هم اقتدار علمی، فرهنگی و اقتصادی، یعنی خیلی چیزها دارند، البته تعبیر درست‌ترش، این است که بگوییم داشتند؛ و دارند آرام آرام از دست می‌دهند، ولی خب سال‌ها داشتند دیگر؛ دو سه قرن این‌ها این‌جور عمل می‌کردند، در این نظم جدید، این حالت از غرب به آسیا منتقل خواهد شد، آسیا خواهد شد مرکز دانش، مرکز اقتصاد، مرکز قدرت سیاسی، مرکز قدرت نظامی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱). انتقال قدرت از غرب به شرق که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان یکی از نشانگان مهم و عناصر تشکیل‌دهنده هندسه جدید قدرت جهانی قلمداد می‌شود با موضوع قلمرو گفتمانی لاکلاو و موفه، همخوانی و سازگاری دارد. لاکلاو و موفه معتقدند؛ معانی اضافی و بالقوه‌ای که از گفتمان طرد یا خارج‌شده‌اند در فضا و محیط بیرون گفتمان مسلط قرارگرفته و برای مفصل‌بندی‌های جدید به کار می‌روند، معانی بالقوه اضافی می‌توانند، انتقال مؤلفه‌های قدرت، انتقال مرجعیت علمی -دانشی، انتقال

1. BRICS members

2. National Defense Strategy

فناوری‌های اطلاعاتی، ظرفیت فوق‌العاده نیروی کار و تولید، جمعیت جوان، ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد شرق جهان و مشخصاً آسیا باشد.

- ضدیت با غیر^۱؛ تنازع گفتمانی

زمانی که آیت‌الله خامنه‌ای از لزوم مرزبندی با گفتمان‌های غیرخودی صحبت می‌کند، دقیقاً وجود غیریت را حس می‌کند، ایشان رقابت گفتمانی را اصل و اساس مرزبندی گفتمانی می‌دانند و وقتی گفتمان نوین اسلامی را تشریح می‌کند، بلافاصله گفتمان رقیب را نیز یادآور شده و منازعه معنایی بین آنان را برقرار می‌کند، بنابراین، شرط اول فهم گفتمانی از صحنه نبرد، درک وجود گفتمان رقیب (غیرخودی) است (گنجی، ۱۳۹۹: ۱۵۴). آیت‌الله خامنه‌ای در تنازع گفتمانی بین انقلاب اسلامی و غرب، دال مرکزی گفتمان خویش را اسلام سیاسی و دال مرکزی گفتمان رقیب را گفتمان جاهلیت قرار می‌دهند و بر دسته‌بندی خودی-دیگری تأکید می‌کنند. در منظومه فکری ایشان در مقابل این گفتمان اسلام با قرائت انقلاب اسلامی ایران، گفتمان جاهلیت و طرفداران نظام سلطه و استکبار هستند که در پوشش‌های گوناگون و کاربست الفاظی مثل حقوق بشر، عدم خشونت و امثال این‌ها، منافقانه، ریاکارانه، کار خودشان را پیش می‌برند. بر اساس این غیریت‌سازی این دو گفتمان به هم نزدیک نمی‌شوند و با هم آشتی نمی‌کنند. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با اعتراض عملی نسبت به نظم جهانی آمریکایی و نابرابری و ناعدالتی موجود در جهان، مبنای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی شده است. از مهم‌ترین پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل را می‌توان در به چالش کشیدن نظام دوقطبی بیان کرد. درواقع انقلاب اسلامی ایران از بازسازی مجدد هژمونی آمریکا در منطقه خاورمیانه بعد از سقوط رژیم شاه و تبدیل شدن به قدرت منطقه جلوگیری کرد و الگوهای جدیدی از توازن و اتحادهای درون منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را شکل داد (سپهری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۱). حسب تکرار تجارب تاریخی و بررسی شواهد و قرائن محتمل، تعارض و تقابل گفتمان اسلام سیاسی با قرائت جمهوری اسلامی ایران با گفتمان نظام سلطه با محوریت لیبرالیسم حتمی و قطعی خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران دارای غیریت

و در حال جدال هویتی با غرب است. این در حالی است که تغییر سیستم^۱ همواره در تفکر ایرانی وجود داشته و دارد (متقی، ۱۴۰۲: ۱۹). انقلاب اسلامی، موجی گفتمانی عظیمی ایجاد کرده است، گفتمانی که فراتر از وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، این تحول پارادایمی، گفتمانی است که می‌تواند در حوزه معرفت، علم و حتی تمدن سازی حرف برای گفتن داشته باشد. اقبال به سمت گفتمان انقلاب اسلامی یا گفتمان ضد سلطه، گسترش موج اسلام‌گرایی، معنویت خواهی در روابط بین‌الملل، تقویت محور مقاومت و هویت‌یابی‌های جدید ضد هژمونیک، در حقیقت، ناکارآمدی ایدئولوژی لیبرالیسم و ناتوانی گفتمان آمریکایی لیبرالیسم در جلب رضایت و مشروعیت را نشان می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۷۴). نتیجه تنازع گفتمانی بین اسلام سیاسی با قرائت جمهوری اسلامی ایران و نظام سلطه در شکل‌بندی و پیدایش هندسه جدید قدرت جهانی تأثیرگذار است، لذا آیت‌الله خامنه‌ای بر ضرورت درک شرایط جدید و لزوم عبور از این پیچ تاریخ تأکید دارند؛ بنابراین، مرزبندی با دیگری در گفتمان رهبر انقلاب برجسته است. آیت‌الله خامنه‌ای برای حفظ مرزبندی گفتمانی، از مفهوم خودی - غیرخودی استفاده می‌کنند. اصولاً معنا دهی به عناصر گفتمانی خودی با برشمردن عناصر گفتمانی غیریت (دیگری)، برجسته و قابل فهم می‌شود.

- اندیشه مقاومت؛ دال مرکزی

راهبرد مقاومت، نقطه کانونی و دال مرکزی هندسه جدید قدرت جهانی در آراء و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. در اندیشه ایشان، مقاومت، سیاست و سلوکی مستمر در رویارویی با دشمنی‌ها و تجاوزگری‌ها و یا هر چیزی است که برهم‌زننده تعادل و توازن باشد، این به‌به پا خاستن و پایدار ماندن در برابر هرگونه عامل درونی و بیرونی، محدود به جنبه نظامی نیست؛ بلکه چندوجهی و بازدارنده در رویارویی با تهدیدات و خطرات است (مهدی پور، ۱۳۹۹: ۱۴). در هندسه جدید قدرت جهانی، اندیشه مقاومت به‌گونه‌ای تدریجی ظهور خواهد یافت، لذا هرگونه پاد گفتمان مقاومت‌گرا را باید بخشی از ضرورت‌های کُنش راهبردی بازیگران برای اثرگذاری در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. به‌عبارت دیگر، گفتمان مقاومت، تلاشی

سازمان یافته در راستای موازنه قدرت و مقابله با نظم تحمیلی هژمونیک آمریکا قلمداد می شود. هویت گرایی اسلامی و قالب های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در فضای بین المللی دارای آثار و نشانه هایی از اندیشه و قدرت مقاومت است. این امر را می توان زمینه ساز ارتقای نقش سیاسی، قابلیت های ملی و نفوذ هویتی کشورهای اسلامی دانست. پیوند دو حوزه یاد شده را می توان زمینه ساز شکل گیری الگوی مقاومت در رفتار سیاست خارجی ایران قلمداد کرد که بر اساس جهت گیری مقابله گرا در برابر نظام مسلط جهانی و همچنین بر مبنای نقش ملی تعامل گرا با کشورهای دانست که دارای نشانه های فرهنگی، ادراکی، ایدئولوژیک و راهبردی نسبتاً مشابهی با جمهوری اسلامی ایران هستند. آیت الله خامنه ای در این ارتباط معتقدند؛ نظریه مقاومت یک نظریه اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل، باید تبیین شود که در اندیشه مقاومت می خواهد با هدف استکبار یعنی سیطره مقابله کند، چون هدف استکبار سلطه بر ملت ها است- این از نگاه نظری- از لحاظ عملی، جریان مقاومت را ما حق جوان ها می دانیم، جوان های عراق، جوان های سوریه، جوان های لبنان، جوان های شمال آفریقا، جوان هایی در مناطق شبه قاره و اطراف آن ها، یک مشت جوان هایی هستند که در مقابل آمریکا مقاومت می کنند، ایستاده اند؛ حق با این ها است، ما حق را با این ها می دانیم، تقویت این جریان ها به معنای تقویت نظریه مقاومت است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲) اندیشه مقاومت یعنی پایداری در برابر نظام سلطه، جمهوری اسلامی ایران مبتکر فکر مقاومت و تقویت کننده جبهه مقاومت در مقابل زورگویی است و این در حال گسترش است (آیت الله خامنه ای، ۱۴۰۱/۲۲/۰۷). معنای مقاومت این است که انسان راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می داند، راه درست می داند و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

اندیشه مقاومت به عنوان دال تھی و نقطه کانونی در منظومه فکری و گفتمانی آیت الله خامنه ای به عنوان دال لبریز از نظام معنایی (غنای محتوایی) تلقی می شود و از این ظرفیت برخوردار است که در بسترهای مختلف با مدلول های استعلایی و جهان شمول، دال های شناور را به سمت تثبیت معنا و انسداد مفهومی سوق داده و زنجیره هم ارز و زنجیره تمایزها را با آموزه های ربطی در شرایط امکانی پیچ تاریخی در دسترس نشان داده و با هویت یابی های جدید، مفصل بندی نهایی از مقابله با نظام سلطه را در بطن هندسه جدید قدرت تبیین کند. در

اندیشه ایشان، اندیشه مقاومت محوریت اصلی و اساسی دارد و به‌عنوان دال مرکزی در گفتمان مطمح نظر است، این دال مرکزی تلاش می‌کند با متناسب‌سازی مطلوب در شرایط اجتماعی، سیاسی و حتی جهانی، قبض و بسط پیدا کرده و با ضریب خوردن به قابلیت اعتبار و دسترسی برسد ایشان معتقدند: این شعار (مقاومت و ایستادگی) شعاری به نفع مستضعفین عالم است، به نفع عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود، برای هیچ ملتی کهنه نمی‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰).

– تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه؛ منطق تفاوت – هم‌ارزی

تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه محور مرکزی راهبردهای ایران در عرصه سیاست خارجی است. نشانگان این راهبرد، دامنه گسترده از بایدها و نبایدها را در بستری از نگاه به واقعیت‌ها و هست‌ها به نمایش می‌گذارد. این استراتژی اگرچه خاستگاهی ایدئولوژیک دارد، نسبت به یافتن مدل‌های انضمامی برای انتساب دال‌ها و نشانه‌هایش نیز می‌کوشد. دیپلماسی مقاومت فعال را می‌توان بهترین خوانش از زاویه دید این راهبرد در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. قاعده نفی سبیل، احترام متقابل، پابندی به قراردادهای و تعهدات، عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، صلح‌طلبی و غیره، نشانگان خود را به گرد نشانه‌های کانونی سیاست خارجی و دیپلماسی فعال ضد نظام سلطه سازمان‌دهی کرده است (اسدی، رضایی پناه، ۱۳۹۲: ۸). آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر مرزبندی بین خود-دیگری (دشمن) با حفظ هویت انقلابی و اسلامی تأکید دارند. ضریب دادن به تفاوت‌های ماهیتی و تقویت منطق تفاوت گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان لیبرالیسم، نظام سلطه و رژیم صهیونیستی در اندیشه‌ها آیت‌الله خامنه‌ای کاملاً مشهود است، ظهور و بروز این رویکرد در سیاست خارجی و راهبرد تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه متجلی می‌شود. تأکید بر سیاست وحدت کشورهای اسلامی، راهبرد نگاه به شرق، تقویت اسلام‌گرایی و همبستگی کشورهای مستقل در چارچوب تفاوت‌گذاری بین خود-دیگری، با تأکید بر انترناسیونالیسم و امت واحده اسلامی و ائتلاف کشورهای ضد نظام سلطه از نکات برجسته در راهبرد تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه و مؤید وجود منطق تفاوت‌گذاری در گفتمان هندسه جدید قدرت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. کشورهایی که می‌خواهند زیر سلطه نباشند و نخواهند سلطه‌گری کنند با هر نژاد و زبانی

دوست ما هستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۰۱) و جمهوری اسلامی ارتباط با کشورهای هم سو، در هر نقطه از جهان و هواداری از جنبش‌های آزادی‌خواه و استقلال‌طلب، حتی آن‌هایی که الزاماً اسلامی نیستند، را در کانون توجه خود قرار می‌دهد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۱/۲۱). آیت‌الله خامنه‌ای، ایران را به‌عنوان رهبر و راهنمای جهان اسلام و بلوک کشورهای ضد نظام سلطه و امپریالیسم در مقاومت در برابر فشار نظامی و فرهنگی نظام سلطه معرفی می‌کنند. گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال رهانیدن ملت‌ها از شر شیطان بزرگ یعنی آمریکا و ایجاد حکومتی الهی سرشار از چهار ارزش مرکزی یعنی؛ عدالت، استقلال، خودکفایی و تقوای اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۲۸). از دید آیت‌الله خامنه‌ای تفاوت‌ها و شکاف‌های میان بلوک ضد نظام سلطه، با مستکبرین و سلطه‌گران جهان چنان پُررنگ است که آنان را به‌گونه‌ای به دو جبهه متخاصم و هم آورد، درمی‌آورد. در کانون این منطق تفاوت، ایالات متحده آمریکا قرار دارد و اسرائیل نماینده برجسته این بلوک در منطقه غرب آسیا در مقابل با گفتمان انقلاب اسلامی ایران است.

– عملیات وعده صادق؛ تغییر پارادایم نظامی در هندسه جدید قدرت

مقابله و موفقیت نظامی ایران در برابر آمریکا را می‌توان بخشی از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا در چارچوب هندسه جدید قدرت دانست. حوادثی چون برخورد نظامی با نیروهای آمریکا در خلیج فارس در سال ۱۳۶۶، دستگیری تفنگداران دریایی آمریکایی در سال ۱۳۹۴، سرنگونی پهپاد غول‌پیکر و ۲۰۰ میلیون دلاری گلوبال هاوک در سال ۱۳۹۸ را می‌توان از اقدام‌های مهمی دانست که باعث از بین رفتن هیمنه و قدرت نظامی آمریکا در اذهان بسیاری از مردم منطقه و جهان شد؛ اما مهم‌ترین این اقدام‌ها موشک‌باران بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه (پایگاه عین الاسد) بود که به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، ابهت و آبروی آمریکایی‌ها را لگدمال کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۱) این در حالی است که رژیم اسرائیل از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران همراه با رشد فزاینده قدرت دستان بلند ایران در لبنان و سوریه و حمایت از محور مقاومت، تبدیل به دشمن بی‌بدیل جمهوری اسلامی شده و تنازع سخت و نرم ایران با رژیم اسرائیل در یک دهه گذشته به شکل فزاینده‌ای در حال اوج گرفتن است.

جمهوری اسلامی ایران با اتکا به مؤلفه‌های قدرت نظامی (بومی درون‌گرا) همواره پاسخ تهدیدها و اقدام‌هایی را که امنیت ملی و اقتدار نظامی ایران را مخدوش کرده باشد را با کنش راهبردی و اقدام موشکی داده است، لذا عملیات وعده صادق از همین دست اقدامات ایران قلمداد می‌شود. عملیاتی که در ۲۵ فروردین‌ماه سال ۱۴۰۳ انجام شد و یک نقطه عزیمت الگویی در بطن تحولات پرفرازونشیب خاورمیانه را رقم زده است. جان مرشایمر^۱ از دانشمندان برجسته علوم سیاسی معتقد است؛ جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار از عمق خاک خود به‌صورت مستقیم اسرائیل را هدف حمله موشکی و پهپادی قرارداد و بازدارندگی اسرائیل را زیر سؤال برد، بازدارندگی هسته‌ای، نهایت بازدارندگی‌ها است، اسرائیل اشتباه بزرگی مرتکب شد، زیرا با بسترسازی برای این درگیری اخیر (حمله وعده صادق)، احتمال دستیابی ایران به سلاح‌های بازدارنده‌تر، بالا برد و این موضوع پیام تشکیل نظم جدید را صادر کرد که اصلاً به صلاح اسرائیل نیست. استفان والت، نیز معتقد است؛ وقتی اسرائیل به ساختمان کنسولی ایران حمله کرد، مقامات واشنگتن حتی پلک هم نزدند، امریکا که تا روز قبل از حمله ۷ اکتبر (عملیات طوفان الاقصی حماس)، خود را قانع ساخته بود که منطقه آرام‌ترین وضعیت خود را طی چند دهه گذشته را دارد تجربه می‌کند، پس از تحولات اخیر و حمله ایران به اسرائیل به نحوی عمل کرده است که بدتر شدن اوضاع را سبب شده است و جهان باید در انتظار یک تحول جدی و نظم جدید در مناسبات حاکم بر خاورمیانه باشیم (میر مرادی، ۱۴۰۳: ۱۱۱). حمله تروریستی اسرائیل علیه منافع جمهوری اسلامی ایران در دمشق، سبب شد ایران که از سال‌های پیش، مواجهه نظامی خود با این رژیم را به فراتر از جنگ‌های کلاسیک کشانده و متأثر از استراتژی‌های جنگ‌های نامتقارن به‌پیش رانده بود، با انجام عملیات غافلگیرانه وعده صادق مؤلفه‌های قدرت بازدارنده خود را به نمایش بگذارد و نوید نظم و پاردایمی جدید را در منطقه غرب آسیا دهد. آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح عملیات وعده صادق با تأکید بر دستاوردهای متعدد و ایجاد احساس شکوه و عظمت درباره ایران اسلامی در پیش چشم مردم جهان، بر ظهور قدرت جدید تأکید دارند. ایشان معتقدند؛ در این عملیات وعده صادق، موضوع تعداد موشک‌های شلیک‌شده، موضوع دست‌دوم و فرعی است،

موضوع اصلی ظهور قدرت اراده ملت ایران و نیروهای مسلح در عرصه بین‌المللی و اثبات آن است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۰۲/۰۲).

جدول ۲: محوریابی تنازع گفتمانی؛ ضدیت-غیریت سازی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

موضوع یا موضوع	مفاهیم	راهبرد
تنازع با گفتمان جاهلیت نظام سلطه	غیریت سازی- مرزبندی با (دشمنان)	تقویت وقته‌های گفتمانی خودی
ظهور بازیگران جدید	قدرت‌های نوظهور	توانمندسازی قدرت‌های مستقل
بیداری اسلامی	ظرفیت‌های دنیای اسلام	هوشیاری و اقدام به هنگام
انتقال قدرت به آسیا	چرخش به سمت منشأ قدرت‌های نوظهور	نگاه راهبردی به شرق (تقریب به روسیه و چین)
پیچ تاریخی و اندیشه مقاومت	نظم جدید منطقه‌ای و جهانی	میدان‌داری و میدان‌داری ایران
هندسه جدید قدرت	چینش جدید قدرت‌ها	ارتقاء مؤلفه قدرت سخت-نرم (قدرت هوشمند)
تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه	تفکیک سلطه‌پذیر - سلطه ستیز	ائتلاف‌سازی با همراهان
عملیات نظامی (طوفان الاقصی، عملیات وعده صادق و...)	مقابله با رژیم اسرائیل	تنبیه تجاوزکار

منبع: یافته‌های نگارندگان

مرحله سوم؛ ایجاد نظم مطلوب جهانی

جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد انقلابی و تجدیدنظرطلبانه خود، نظام بین‌الملل هژمونیک را که در آن آمریکا به‌عنوان هژمون مطرح شده و درصدد اشاعه ارزش‌های غربی چون دموکراسی و لیبرالیسم در سطح جهان است را نفی کرده و نظم موجود را به ضرر بشریت می‌داند. نظم بین‌الملل مطلوب، نظامی عدالت محور، با پذیرش حقوق مساوی انسان‌هاست، نظامی است که قوانین الهی و اسلامی، تمام ابعاد زندگی اجتماعی بشریت را در برمی‌گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای عقیده دارد که برای تحقق نظم مطلوب جهانی، ابتدا باید در سطح منطقه غرب آسیا، یک بلوک قدرت شکل بگیرد، بلوکی که ساختار آن غیر سلسله‌مراتبی بوده و همه بازیگران حاضر در آن، قائل به مدیریت دسته‌جمعی و مشارکت فعال باشند (تبار،

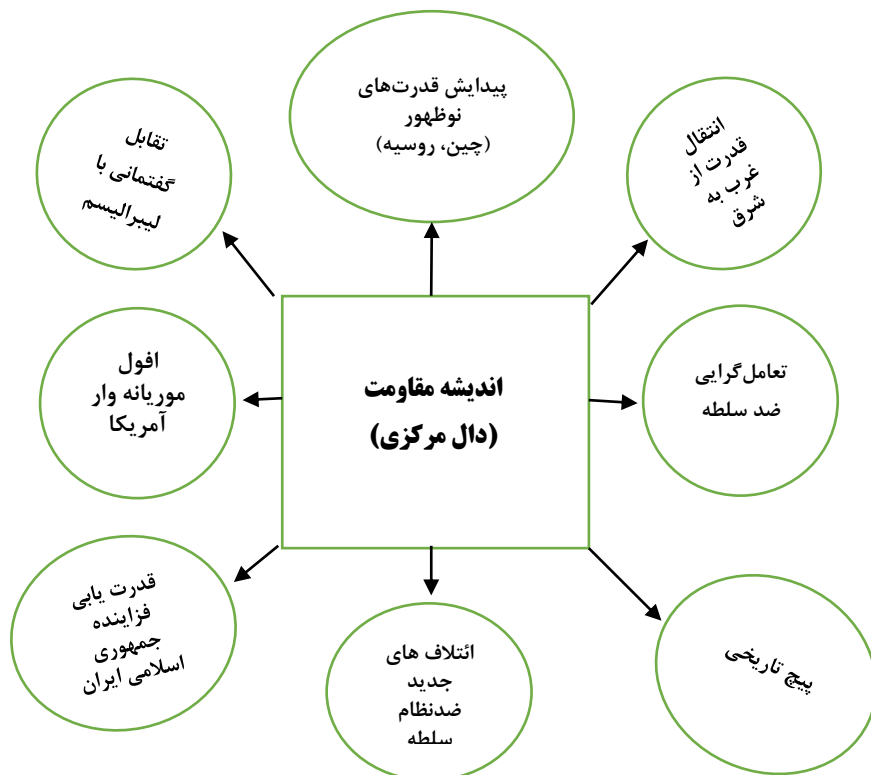
هاشمی، ۱۳۹۷: ۱۲۱). نظم مطلوب، متناسب با نظام احسن آفرینش و بر پایه فطرت الهی انسان‌ها خواهد بود، نظمی که هدف از آن یک‌سو تربیت و تزکیه انسان‌هاست و از سوی دیگر؛ تأمین رفاه دنیوی و سعادت اخروی است. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نظم مطلوب جهانی بر پایه نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و استقلال همه‌جانبه و عدم تعهد به قدرت‌های سلطه‌گر و پیوند با مسلمانان، اجرای عدالت، رعایت حقوق انسان‌ها در سایه قوانین اسلامی، ایجاد وحدت در بین امت اسلامی و بیداری و آگاهی ملت‌ها شکل می‌گیرد. انقلاب اسلامی، با نظام سلطه مخالف است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۶/۳۱). از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، نظم و سامان بین‌المللی کنونی، ناعادلانه، نامشروع و ناپسند است و برجسته‌ترین رسالت جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان رهبر جبهه ضد نظام سلطه، تلاش در راستای برپایی یک ساختار نوین جهانی بر پایه عدالت و احترام متقابل و حصول به تمدن نوین اسلامی است. بر اساس این خوانش، زنجیره شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در پنج مرحله شکل‌بندی خواهد شد: انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و درنهایت ساخت‌بندی شدن تمدن نوین اسلامی. ایشان معتقدند؛ همه جهت‌گیری‌های کلی در همه کارها و برنامه‌ریزی‌ها و هدایت آن‌ها باید به جهت رسیدن به جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۲/۱۱). تمدن اسلامی یا تمدن شکوفایی اسلامی با استعدادهای متناسب با تغییرات زمان و اقتضائات باید شکوفا شده و خودش را نشان دهد، مکرر این را گفته‌ام؛ زیرساخت‌هایش باید درست شود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۲/۲۱).

جدول ۳: محور یابی هژمونیک شدن گفتمان بدیل در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

محور یا موضوع	مفاهیم	راهبرد
حاکمیت اسلام	نظام احسن آفرینش - فطرت انسانی	ترویج آموزه‌های اسلام
جانمایی قدرت ایران	جایگاه ممتاز ایران در منطقه و جهان	توانمندسازی حکمرانی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی)
تشکیل تمدن نوین اسلامی	تمدن سازی ایرانی - اسلامی	تقویت کارآمدی جامعه اسلامی برای حصول به تمدن نوین

منبع: یافته‌های نگارندگان

شکل ۲: الگوی تصویری مختصات و وقته‌های گفتمانی هندسه جدید قدرت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای



فرجام سخن

گفتمان هندسه جدید قدرت عنوانی است که برای نامیدن نظم جدید جهانی از طرف آیت‌الله خامنه‌ای تعیین شده است. این گفتمان دارای وجوه ایجابی و سلبی مستحکمی است که خط بندی‌های آن را نمایان می‌سازد. از دید ایدئولوژیک، این گفتمان، صحنه پیوسته نبرد میان همراهان و دشمنان به رهبری ظالمان عالم و مستکبران جهان (نظام سلطه) علیه مظلومان و مستضعفان است. در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، بر اساس سنت الهی و تقدیرات تاریخی، ظالمان به سمت نابودی پیش خواهند رفت. درگذر از پیچ تاریخی پیش رو، قدرت هژمون آمریکا و همچنین اقتدار و هیمنه کشورهای نظام سلطه رو به افول و زوال خواهد رفت. ایشان

معتقدند؛ علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان تغییر پیدا می‌کند، نظامی که سه خط تحلیل اساسی دارد، خط اساسی اول؛ عبارت است از انزوای آمریکا، در این نظم جدید، آمریکا جایگاه مهمی ندارد و منزوی است، خط اساسی دوم، انتقال قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی از غرب به آسیاست و نقطه سوم، تفکر مقاومت و جبهه مقاومت در مقابل زورگویی است که گسترش خواهد یافت و مبتکرش هم جمهوری اسلامی ایران است. عناصر و وقته‌هایی چون نظریه پیچ تاریخی، تضعیف هژمونی و انزوای آمریکا، تقابل تمدنی با گفتمان لیبرالیسم، انتقال قدرت از غرب به شرق، تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه، از مختصات بنیادین هندسه جدید قدرت جهانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. انسداد مفاهیم و تثبیت معنای دال‌های بنیادین با مدل‌های در دسترس، تشدید ضدیت‌سازی با غیر و دشمنان، کاهش و رد میزان اعتبار و قابلیت دسترسی گفتمان رقیب، ضریب دادن به دال مرکزی جذاب، فرآیند منطقی زنجیره هم‌ارزی و زنجیره تمایزگذاری، هویت‌یابی و مفصل‌بندی در راستای هژمونیک‌سازی گفتمان مطلوب و درنهایت، جایگزین‌سازی گفتمان خودی به‌جای گفتمان مسلط نظام سلطه، اجزای فرآیند تشکیل گفتمان در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع هندسه جدید قدرت است که با الگوی گفتمانی سه مرحله‌ای لاکلاو و موفه (نقد نظم فعلی، غیریت‌سازی، هژمون گفتمان جایگزین) همخوانی و مطابق معنایی دارد. در هندسه جدید قدرت جهانی گفتمان انقلاب اسلامی با ضریب دادن به مؤلفه‌های غیریت‌ساز (دیگری-دشمن) و مرزبندی هویتی- سیاسی با نظام سلطه و پیگیری راهبرد و پاد گفتمان مقاومت (به‌عنوان دال مرکزی) در نظم جدید اثرگذار بوده و به سمت تقویت خلأ قدرت هژمونیک آمریکا و تشکیل تمدن نوین اسلامی در حال حرکت است.

منابع

اسدی، ناصر، رضایی پناه، امیر (۱۳۹۲). مبانی تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل و هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌های آن در گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۳(۱): ۲۷-۱.

آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۸/۰۳/۰۱-www.KHAMENEI.IR

آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۸۸/۱۱/۰۱-www.KHAMENEI.IR

آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷-www.KHAMENEI.IR

- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۱/۰۹/۰۹ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۸۳/۰۲/۱۲ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۷/۰۸/۱۲ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۳/۰۴/۱۶ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۸۸/۰۶/۲۰ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۲/۰۱/۲۱ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۵/۰۴/۲۴ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۶۸/۰۴/۲۵ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۲/۰۶/۲۶ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۴/۰۲/۳۰ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۱/۰۶/۰۹ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۳۹۳/۰۶/۱۳ - www.KHAMENEI.IR
- آیت‌الله خامنه‌ای بیانات در مورخه: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰ - www.KHAMENEI.IR

باغسنگانی، سید مهدی (۱۴۰۱). نظریه افول آمریکا از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نشریه مطالعات راهبردی آمریکا، ۲: ۴۱-۲۵.

بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۵). جهانی‌شدن و سرانجام نزاع گفتمان‌ها، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۹(۳۶).

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان و پادگفتمان، تهران، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- تبار مقری، رحمت عباس، هاشمی، سید محمد (۱۳۹۷). مختصات نظم موجود و مطلوب جهانی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۵ (۵۲): ۱۳۶-۱۱۷.
- جعفری هفتخوانی، نادر (۱۴۰۰). *بازاریابی سیاسی افول موریانه وار؛ چالش‌های روند تضعیف وجه جهانی آمریکا، افول و زوال آمریکا*، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۳). نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، علوم سیاسی، ۷ (۲۸).
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷). روش‌شناسی علوم سیاسی، ویراست دوم، انتشارات دانشگاه مفید.
- خرمشاد، محمدباقر، جمالی، جواد (۱۳۹۷). امر سیاسی شکل‌گیری و هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی در ایران، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۷ (۲۷).
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷)، افول قدرت نرم آمریکا؛ دلایل و پیامدها، *دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ۱۹: ۶۸-۳۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران، محمدباقر خرمشاد و همکاران، تهران: انتشارات سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ اسماعیلی مازگر، علیرضا (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمانی قدرت در نظام بین‌الملل، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۳ (۴۶).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۷). *بازتاب‌های نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل*، انتشارات سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۴۰۲). مصاحبه با سایت رهبر انقلاب، منتشرشده در روزنامه ایران ۱۵ مهرماه.
- سپهری، یدالله، عباسی، مصیب و حسینی آهنگری، سید حسن (۱۳۹۸). پیامدهای تقابل ایران و آمریکا، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۸ (۲۹).
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش، *فصلنامه علوم سیاسی*، ۲۸: ۱۵۳-۱۸۰.
- کریمی پور، داود، (۱۴۰۰). *افول آمریکا؛ رهیافت اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- کسرابی، محمد سالار، پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، *فصلنامه سیاست*، ۳۰ (۳): ۳۳۹-۳۶۰.
- کنت والتز (۱۳۹۱). توازن به ضرورت افزایش قدرت، در سیاست خارجی آمریکا در تئوری و عمل، ترجمه حسین دهشیار، انتشارات میزان.

- گنجی، عبدالله، (۱۳۹۹). روش و الگوی تحلیلی سیاسی مقام معظم رهبری، پژوهشگاه علوم انسانی امام صادق (ع)، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۹۳). روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم (۱۴۰۲)، مصاحبه با روزنامه ایران در تاریخ ۲۳ خردادماه، ۱۴۰۲، ص ۱۹. قابل مشاهده در WWW.inn.ir
- متقی، ابراهیم، (۱۳۸۵)، آمریکا؛ هژمونی شکننده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهش مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- متقی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، نظریه پیچ تاریخی و نقش یابی مقاومت در ساختار نظام بین‌الملل، معاونت پژوهش مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- محمّدی، منوچهر، (۱۳۸۷). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- منوچهری، عباس، (۱۳۹۰) رهیافت و روش در علوم سیاسی، چاپ سوم، انتشارات سمت.
- مولائی، محمدرضا، نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۹)، انسداد مفهومی دال‌های بنیادین گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی در سپهر اندیشه امام (ر) و آیت‌الله خامنه‌ای، نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، ۶۰: ۷-۲۸
- مهدی پور، آسیه (۱۳۹۹). بررسی ابعاد و پیامدهای راهبرد مقاومت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۸(۲): ۱-۳۰.
- میر طاهر، سید رضا (۱۴۰۳). پایان نظم جهانی لیبرال، تهران، انتشارات روزنامه جوان.
- میرمرادی، سید رضا (۱۴۰۳). نقش توان موشکی ایران در امنیت ملی، معاونت امور بین‌الملل وزارت دفاع-مرداد ۱۴۰۳
- والث، استفن (۱۳۹۱) توازن به ضرورت ترس، در سیاست خارجی آمریکا در تئوری و عمل، ترجمه حسین دهشیار، انتشارات میزان.

Beckley, M. (2022). Enemies of My Enemy: How Fear of China Is Forging a New World Order. Foreign Affairs, February 2023, Retrieved March/April 2023, 2023 from <https://www.foreignaffairs.com/china/new-world-order-enemies-my-enemy-china>

- De Vos, P. (2003) Discourse Theory and the Study of Ideological Transformations: Analyzing Social Democratic Revisionism, pragmatics, 13(1)
- Jorgensen, M., and Philips, L. (2002). *Discourse Analysis As theory & method*, London, Sage Publications.
- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolutions of Our Time*, London, Verso.
- Laclau, E. & Mouffe, CH. (1985) *Hegemony and Socialist Strategy*, London: Verso.
- Smit, A. (1988). *Laclau, and Mofe: The Radical Democratic Imaginary*, London, Routledge.